



محمد علی مهدوی راد

قرن نهم:

گزارش نگاشته‌های علوم قرآنی این قرن را با یادکرد آثار ادیب محدث و عالم سختکوش، سراج الدین عمر بن علی بن احمد بن محمد بن عبدالله انصاری اندلسی (م ۸۰۴)، مشهور به «ابن الملقن» آغاز می‌کنیم. او در قاهره از مادر یزاد و در همان دیار، دانش آموختن را آغاز کرد و به تکمیل و توسیع دانش پرداخت، او برای رسیدن به محضر عالمان و دانشوران، شهرهای بسیاری را درنوردید و آثار ارجمند و سودمندی از خود برجای نهاد.<sup>۱</sup> «تفسیر غریب القرآن» وی از نیکوترین آثار نگاشته شده در این زمینه است. ابن الملقن واژه‌ها را بر اساس سوره‌ها و آیات در سوره‌ها تنظیم کرده و در تبیین و تفسیر معانی آنها گاه از محدوده تفسیر واژگانی فراتر رفته و به تفسیر گسترده تری دست یازیده است. تأثیرپذیری وی از کتاب ارجمند «تحفة الأریب» ابوحیان، روشن است.<sup>۲</sup>، اما بی‌گمان کتاب ابن الملقن گسترده‌تر و سودمندتر است. وی کتابی نیز در شناخت و شناسایی قاریان پرداخته است<sup>۳</sup> با عنوان «طبقات القرآء». نگاشته‌های او را در موضوعات مختلف اسلامی بیش از دوست عنوان دانسته‌اند. کتاب ابن الملقن را سمیر طه مجذوب با تحقیق و تصحیحی استوار و سودمند نشر داده است. او کتاب را بر اساس دو نسخه مقابله کرده و موارد اختلافی را در پانوشتها ثبت کرده است و افزون بر آن، توضیحات روشنگری در پانوشتها در جهت تبیین مطالب متن افزوده است و گاه تفسیرهای ابن الملقن را با قرآن پژوهان پیشین سنجیده است و در ضمن مقدمه‌ای از شرح حال، آثار و شیوه نگارش مؤلف بحث کرده است، پایان بخش کتاب، فهرست‌های گونه‌گون آن

است، فهرست واژه‌ها بر اساس ترتیب الفبایی، فهرست احادیث، اعلام و ... جز آن.<sup>۴</sup>

ادیب، محدث، فقیه و اصولی عراقی، عبدالرحیم بن حسین، مصری شافعی و مشهور به «أبوزرعہ عراقی»، (م ۸۰۶) در این قرن منظومه‌ای پرداخت در تبیین واژه‌های دشواریاب قرآن که به «منظومه تفسیر غریب القرآن» مشهور است. بیشترین آثار عراقی درباره حدیث و علوم حدیث است و «الفیه» او در دانش «مصطلح الحدیث» از جمله آثار بلند آوازه این فن است.

«منظومه تفسیر غریب القرآن» که به «الفیه» نیز مشهور است به سال ۱۳۱۰ همراه با «التیسیر فی قواعد علم التفسیر» نشر یافته است.<sup>۵</sup> او در «مهران» دیده به جهان گشوده است و با سفر به دمشق، حلب، حجاز و اسکندریه و نشستن در محضر عالمان بر آگاهی‌های خود افزوده است، او را به گستردگی دانش و چیرگی در ادبیات و علوم حدیث ستوده‌اند، عراقی آثار بسیاری از خود برجای نهاده است.<sup>۶</sup>

محمد بن علی بن محمد سمهودی مصری، مشهور به «ابن القطن» (م ۸۱۳) در این قرن، در تبیین و توضیح قرائت‌های هفتگانه، کتابی پرداخت با عنوان «السهل فی قرائة السبع» و سپس آن را شرح کرد با عنوان «بسط السهل» که از آن به «تسهیل السهل فی قرائة السبع» نیز یاد کرده‌اند.<sup>۷</sup>

شوکانی می‌نویسد: او در محضر عالمانی چون ابن الملقن و بهاء بن عقیل و ... دانش آموخت و در دانش‌های گونه‌گونی مهارت یافت، اما به حدیث گرایش نداشت، کتاب‌هایی نگاشت از جمله «السهل ...».

کحّاله از او با عناوین محدث، مقرئ، فقیه، ریاضی دان و نحوی یاد کرده است.<sup>۸</sup>

در این قرن احمد بن محمد بن عماد الدین بن علی مصری، مقدمی معروف به «ابن الهائم» (م ۸۱۵) کتابی پرداخت با عنوان «التبیان فی تفسیر غریب القرآن» که در برخی از کتابخانه‌ها نسخه‌هایی از آن موجود است.<sup>۹</sup>

ابن الهائم به ریاضی دانی شهره است و آثاری چند در آن زمینه نگاشته است. او از زادگاه خود به قاهره کوچ کرد و در آن دیار به تدریس و افتاء مشغول گشت و مردمان را از دانش و بینش خود بهره‌مند ساخت، او را به گستردگی دانش، مهابت و استواری در حق‌گویی ستوده‌اند.<sup>۱۰</sup>

اکنون باید یاد کنیم از ادیب، قرآن‌پژوه، مفسر، محدث و مؤلف سختکوش و بلند آوازه، مجد الدین محمد بن یعقوب فیروزآبادی (م ۸۱۷). او در علوم قرآنی کتابی پرداخته است ارجمند و سودمند، با عنوان «بصائر ذوی التمییز فی لطائف الكتاب العزیز»، کتاب فیروزآبادی در میان آثار علوم قرآنی از جایگاه بلندی برخوردار است. فیروزآبادی ابتدا از فضایل قرآن

سخن گفته است و آنگاه از اعجاز آن، سپس واژگانی را تبیین و توضیح کرده است که در کتاب کاربرد داشته است مانند: تأویل، تفسیر، تنزیل، وحی و... و آنگاه به نامهای قرآن پرداخته است و در فصل ششم این بخش، از ترتیب نزول سخن گفته است و اسباب نزول سوره‌ها و آیه‌ها، اهمیت آن در شناخت قرآن و بالآخره از گونه‌های خطاب‌ها، جواب‌های قرآنی و... جز آن. فصل هشتم کتاب فصلی است بس ارجمند و درازدامن که درباره سوره‌ها سخن می‌راند، این فصل را می‌توان سوره‌شناسی نامید که با سخن از سوره «بقره» می‌آغازد و با گفتاری در باب سوره «ناس» می‌فرجامد.

در این بحث‌ها، فیروزآبادی از مکان نزول، تعداد آیات، کلمات، حروف، آیات مورد اختلاف، نام‌های سوره، ناسخ و منسوخ در سوره، چرایی تکرار در سوره، آهنگ کلی سوره و مباحث محوری سوره سخن گفته است.

پس از آن واژه‌شناسی قرآنی است بسی فراتر از آنچه در «غریب القرآن‌ها»، «معانی القرآن‌ها»، «اشباه و نظائر» و «وجوه القرآن‌ها» آمده است.

واژه‌ها بر اساس آغازین حروف ماده‌ها تنظیم شده و فیروزآبادی در آغاز، معانی لغوی آنها را به دقت باز می‌گوید و سپس گونه‌های استعمال آنها را در قرآن. تأثیرپذیری وی از منابع پیشین به ویژه «مفردات راغب» روشن است، اما گستره بحث در این مجموعه با آثار پیشین از این دست قابل مقایسه نیست. گویانکه بیشترین شهرت فیروزآبادی و امدار کتاب ارجمند او «القاموس المحيط» است، اما این کتاب در میان آثار قرآن‌پژوهی و در بخش واژه‌شناسی و سوره‌شناسی کم نظیر می‌نماید. فیروزآبادی در آستانه قرآن آثار دیگری نیز دارد از جمله «تیسیر فاتحة الأهاب فی تفسیر فاتحة الكتاب»، «الدر النظیم»، «المرشد الی المقاصد القرآن العظیم» «حاصل کورة الخلاص، فی فضائل سورة الأخلص».

«جار الله زمخشری» خطبه کوتاهی دارد در تفسیر کشف در جایگاه بلند دانش تفسیر در میان دانش‌های اسلامی و تبیین لوازم مقدمات تفسیر قرآن، فیروزآبادی این خطبه را نیز شرح کرده است با عنوان «قطبة الخشاف، شرح خطبة الكشاف»<sup>۱۱</sup> و بالآخره باید یاد کرد از «تنویر المقباس من تفسیر ابن عباس» که جمع و تدوین فیروزآبادی است. و ظاهراً فقط بر اساس روایت محمد بن مروان و مشهور به «سدى صغیر»<sup>۱۲</sup> که قرآن پژوهان و رجالیان این طریق را تضعیف کرده‌اند.<sup>۱۳</sup> تنویر المقباس نیازمند پژوهشی است گسترده، تا با سنجش نقل‌های دیگر از ابن عباس در تفاسیر کهن و طرق روایی دیگر از وی، چگونگی آن باز شناخته شود.

فیروزآبادی در دیهی از فارس به نام «کارزین» دیده به جهان گشود؛ و آموزش‌های آغازین

را در همان دیار فراگرفت و در هشت سالگی در حالی که قرآن را بر سینه داشت با پدرش راهی شیراز شد و در محضر عالمان آن دیار دانش آموخت، وی برای توسیع و تعمیق دانش خود به آبادی‌ها و شهرهای مختلفی سفر کرد و از عالمان بسیاری بهره گرفت و به جایگاه بلندی در پژوهش دست یافت، فیروزآبادی آثار بسیاری در موضوعات مختلف فرهنگ اسلامی از خود برجای نهاده است.<sup>۱۴</sup>

در این قرن فقیه و عالم جلیل، شیخ جمال الدین [فخرالدین] احمد بن عبدالله بن محمد بن علی بن احسن بن متوج بحرانی، مشهور به ابن متوج (م ۸۲۰)، کتابی نگاشت در تفسیر و تبیین آیات ناسخ و منسوخ قرآن کریم. این کتاب را، عالم بزرگوار سید عبدالجلیل حسینی قاری شرح کرده است. متن کتاب و شرح آن همراه با ترجمه به سال ۱۳۴۴ به همت آقای محمدجعفر اسلامی و با اشراف مرحوم سید محمد مشکوة منتشر شده است و به سال ۱۳۶۰ با حذف متن عربی آن نشر یافته است.

مؤلف ابتدا به تفصیل از نسخ و چگونگی آن سخن گفته است و آنگاه آیاتی را که منسوخ دانسته به ترتیب سوره‌ها گزارش کرده و چگونگی نسخ آنها را بیان کرده است. مترجم می‌گوید: مطالب کتاب به گستردگی از کتاب ابن سلامه متأثر است و شارح کتاب موارد متن را با توجه به تفاسیر بزرگی چون مجمع البیان و الکشاف و تفسیر کبیر فخر رازی و ... جز آن شرح کرده است.

ابن متوج از عالمان، فقیهان و مفسران بزرگ این قرن است. میرزا عبدالله افندی از وی با عناوین عالم، فاضل، فقیه، آگاه و مجتهد مشهور یاد کرده است. دیگر شرح حال نگاران نیز او را به فقاقت و جلالت و گستردگی دانش ستوده‌اند. در آغاز سخن از وی، دو لقب جمال الدین و فخر الدین را آوردیم. در اینکه احمد بن عبدالله یک نفر بوده است و ملقب به این دو لقب، یا دو نفر، شرح حال نگاران یک داستان نیستند. صاحب ریاض آن دو را، یک نفر تلقی کرده است و نیز صاحب روضان الجنات، اما علامه سید محسن امین عاملی بر تعدد آنها به تفصیل استدلال کرده است.<sup>۱۵</sup>

در این قرن، ابوالخیر شمس الدین محمد بن محمد بن محمد بن علی بن یوسف جزری، دمشقی شیرازی شافعی (م ۸۳۳) از فقیهان، محدثان و قاریان بلندآوازه آن روزگار، آثار ارجمنندی در قرائت نگاشت. یکی از مهم ترین آثار وی «النشر فی القراءات العشر» است. این کتاب در دو مجلد بزرگ دارای یک مقدمه و بیست و نه باب در دانش قرائت، جامع ترین کتاب پیشینیان است. به لحاظ تاریخی، آن را بهترین و مهم ترین مشیخه مستند این قرن

می‌توان شمرد. مؤلف در دو مجلد کتاب، کتاب‌های قرائت را معرفی کرده و قرآء عشره را با همه زنجیره‌های روایتی با تاریخ اجازه روایتی هریک شناسانده است. چنانکه گفتیم «النشر» از مهم‌ترین کتاب‌های دانش قرائت است. کتاب «النشر» با تصحیح علی محمد الضبّاع نشر یافته است.<sup>۱۶</sup>

جزری خود این کتاب را تلخیص کرده است، با عنوان «تقریب النشر فی القراءت العشر». «طیبة النشر فی القراءت العشر» یکی دیگر از آثار اوست. پیش‌تر از کتاب ارجمند «حرز الأمانی ووجه التهانى» یاد کرده‌ایم،<sup>۱۷</sup> این کتاب در واقع مکمل آن است. قرآن پژوه ارجمند معاصر حضرت دکتر سید محمد باقر حجّتی درباره آن نوشته‌اند:

این کتاب منظومه‌ای است به بحر «رَجَز» در هزار، یا هزار و نود بیت در گزارش و جوه قراءت دهگانه. در این کتاب، مطالب کتاب‌های «التیسیر» دانی و «النشر فی القراءت العشر» خود مؤلف، با شرح و بسط کافی آمده و شمس‌الدین جزری در آغاز آن، مقدمه‌ای تمهید کرده که در آن فایده فن قرائت و اسامی قراء و فشرده‌ای از مباحث تجوید گزارش شده است.<sup>۱۸</sup>

کتاب دیگر جزری «الدرة المضيئة فی قراءة الأئمة الثلاثة المرضیه» است. این منظومه در واقع مکمل «حرز الأمانی» است که گزارش قرائت‌های قرآء سبعة را دربردارد. در این منظومه از قرائت‌های سه تن از قاریان: ابو محمد خلف بن هشام بزار بغدادی و ابو جعفر یزید بن قعقاع مخزومی مدنی قاری و ابو محمد یعقوب بن اسحاق حضرمی بصری سخن رفته است. «الدرة» را، محمد زبیدی مقری از عالمان سده نهم<sup>۱۹</sup> و نیز فرزند جزری شرح کرده‌اند.<sup>۲۰</sup>

جزری «تحبیر التیسیر» را در تکمیل کتاب مهم و معروف ابو عمر دانی «التیسیر فی القراءت السبع» نگاشت. مؤلف سه قرائت را بر قرائت‌های هفتگانه کتاب دانی افزوده و شرح حال مفصلی از دانی را آورده و سلسله اسناد روایت خود تا او را یاد کرده است.<sup>۲۱</sup>

«منجد المقرئین و مرشد الطالبین» کتابی است سامان یافته در هفت باب در باب قرائت، که جزری مطالب آن را با عنوان «قال، قلت» آورده است،<sup>۲۲</sup> چلبی در ضمن یاد کرد منجد المقرئین آنرا بسیار سودمند دانسته است.

و بالأخره باید یاد کنیم از کتاب بسیار سودمند جزری در شرح حال مقرئان و قرائت پژوهان، با عنوان «غایة النهایه فی طبقات القراء» که کتابی است سودمند و ارجمند، و به سال ۱۳۵۱ به همت یکی از خاورشناسان نشر یافته و پس از آن بارها به گونه افسست منتشر شده است.<sup>۲۳</sup>

جزری و جوه اعجاز آیه ۴۴ سوره هود «و قیل یا ارض ابلغی ماءك ...» را نیز در رساله‌ای

تبیین کرده است با عنوان «اعجاز القرآن فی آیه یا ارض ابلعی».

جزری آثار دیگری نیز در این زمینه دارد که در منابعی که یاد کرده ایم، توان دید. جزری محدثی بزرگ، قرآن پژوهی سختکوش و شاعری چیره دست بود. او در دمشق از مادر بزاد، در سیزده سالگی قرآن را حفظ کرد، محضر عالمان بسیاری را درک کرد و به جایگاه بلندی از دانش رسید.<sup>۲۴</sup>

در این قرن محمد بن عبدالملک متتوری (م ۸۳۴)، کتاب «الدرر اللوامع فی قرائة النافع» نگاشته علی بن محمد بن حسین ریاضی (م ۷۳۰) را شرح کرد با عنوان «شرح الدرر اللوامع فی قرائة نافع». متتوری از محدثان و مقرران اندلس است و آثاری در ابعاد مختلف فرهنگ اسلامی نگاشته است.<sup>۲۵</sup>

علی بن احمد بن ابراهیم بن اسماعیل مهاییمی دکنی هندی (م ۸۳۵) کتابی پرداخت در اعجاز قرآن با عنوان «تبصیر الرحمن و تبصیر المنان لبعض ما یشیر الی اعجاز القرآن». تبصیر الرحمن بیشتر غالب تفسیری دارد، به دیگر سخن، تفسیری است با نگاهی بلاغی و در جهت برنمودن وجوه بلاغت و جنبه های اعجاز قرآن کریم.

مهاییمی نگاشته دیگری دارد با عنوان «تفسیر ألم». مهاییمی دکنی از فقیهان، متکلمان، مفسران و صوفیان هند است، او فصوص الحکم ابن عربی را شرح کرده است و کتاب های دیگری در زمینه عرفان و تصوف نگاشته است.<sup>۲۶</sup>

در این قرن عقیف الدین عثمان بن عمر بن ابی بکر ناشری (م ۸۴۸) در علوم قرآنی آثاری چند سامان داد. از جمله «درة الناظم لروایة حفص من روایة عاصم». پیشتر به قرائت حفص اشاره کرده ایم.<sup>۲۷</sup> ناشری می گوید: چون در دیار ما «زبید» مردم، نیکخواهی را پیشه کرده و به طاعات الهی روی آورده اند و من پیشتر قرائت «قالون»<sup>۲۸</sup> و «دوری»<sup>۲۹</sup> را برای آنها جمع و تدوین کردم، چنین اندیشیدم روایت حفص بن سلیمان از عاصم را بدان بیفزایم. عناوین آثار دیگر ناشری چنین است: «الهدایة فی القرائة»، «ایضاح الدرّة المضیئة فی قرائة الأئمة الثلاثة المرضیة» که شرح کتاب جزری است و از آن در همین مقاله یاد کرده ایم.

ناشری، دانشوری است فقیه، ادیب و مقرئ که افزون بر آنچه که یاد کردیم آثار دیگری نیز از خود برجای نهاده است.<sup>۳۰</sup>

احمد بن علی بن محمد... بن حجر، عسقلانی، (م ۸۵۲) محدث بلند آوازه این قرن، کتاب هایی در علوم قرآنی رقم زد.

در گزارش اسباب نزول، عناوینی به وی نسبت داده اند: «الأعجاب بتبیین الأسباب» که

گاه از آن به «العیاب فی بیان الأسباب» نیز یاد شده است. دیگر کتابی با عنوان «أسباب النزول» که گویا این عناوین گونه‌گون یک کتاب بیش نیست. ۳۳ «الأحكام لبیان ما فی القرآن من الأبهام»، ابن حجر در این کتاب «التعریف والأعلام لما فی القرآن من الأبهام» سهیلی و ذیل التعریف والأعلام» ابن عساکر را در هم آمیخته و کتابی در تبیین و تفسیر مبهمات قرآن پرداخته است.

ابن حجر در فضایل سور و آیات نیز کتابی نوشته است با عنوان «الأقتان فی فضائل القرآن من المرفوع والموقوف». «ما وقع فی القرآن من غیر لغة العرب» نیز از آثار علوم قرآنی اوست.

ابن حجر عسقلانی در مصر از مادر بزرگ و در همان دیار بالید و دانش آموخت و برای بهره‌گیری از محضر مشایخ علم به بلاد اسلامی سفر کرد، او در رجال، حدیث و فقه چیره دست بود. آثار او بسیار و کارنامه وی بسی پربرگ و بار است، او را به گستردگی دانش، سختکوشی در فراگیری و تألیف و تزلع در حدیث و علوم اسلامی ستوده‌اند. ۳۴

در این قرن عبدالرحمن بن علی بن اسحاق شافعی، از محدثان، ادیبان، شاعران و مفسران دیار قدس «أسباب النزول» جمعبری را به نظم کشید، با عنوان «مدد الرحمن فی أسباب نزول القرآن». ۳۵ او تفسیری نیز نگاشته است و آثار دیگری در ادب و شعر رقم زده است.

تیمی در «الخلیل» از مادر بزرگ و رشد کرد و برای تحصیل و فراگیری دانش به غزه، قاهره و حجاز سفر کرد و در همان دیار زندگی را پدید گرفت. ۳۶

شمس الدین محمد بن محمد بن علی بلیسی (۸۷۸م)، کتاب «کشف السرائر فی معنی الوجوه والنظائر» را نوشت. کتاب بلیسی، اثر سودمندی است، بهره‌گیری وی در این کتاب از مقاتل بن سلیمان بسیار گسترده است، اما افزودنی‌های او با مراجعه به تفاسیر و منابع دیگر بر آنچه از مقاتل آورده است نیز قابل توجه است.

کشف السرائر را آقای دکتر فؤاد عبدالمنعم احمد، تحقیق کرده است و در پانوشت‌ها توضیحاتی سودمند بر متن افزوده است. ۳۷

بلیسی، در «بلیس» به دنیا آمد و در همان دیار بالید و از محضر استادان و مشایخ روزگارش بهره‌گرفت و به بلاد اسلامی سفر کرد و در دیار خود در مسند خطابه، مردم را وعظ کرد، او «انوار التنزیل» را تلخیص کرده است و در دیگر موضوعات اسلامی آثار نگاشته است. ۳۸

در این قرن محمد بن سلیمان کافجی (۸۷۹م) یاد کردنی است با کتاب سودمند «التیسیر فی قواعد علم التفسیر»، کافجی کتاب را در دو باب و یک خاتمه سامان داده است. در باب اول

عنوان «اصطلاحات» از تفسیر و تأویل و فرق آن دو، دانش‌هایی که مفسر بدانها نیازمند است، نیاز به تفسیر، موضوع تفسیر، قرآن و اعجاز آن، محکم و متشابه، دلالت و اقسام آن و نزول قرآن و اسباب نزول سخن گفته است. در باب دوم با عنوان «فی القواعد والمسائل» از محکم و متشابه، نسخ لغه و اصطلاحاً، طبقات مفسران و شرایط راویان تفسیر بحث کرده است و خاتمه کتاب عهده دار تبیین جایگاه دانش و آداب فراگیری علم و بهره‌گیری از استاد است.

آقای ناصر بن محمد مطرودی کتاب کافجی را بر اساس هفت نسخه خطی و نسخه ای چاپی، نشر یافته در ترکیه، مقابله و تصحیح کرده و در پانوشت‌ها افزون بر استخراج منابع و مآخذ متن، توضیحات بسیاری در تبیین و تکمیل متن افزوده است.

آقای مطرودی، مقدمه ای نوشته است درازدامن که در آن از وضع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و علمی روزگار کافجی سخن گفته و زندگانی کافجی را به تفصیل گزارش کرده است و از کتاب «التیسیر» و شیوه مؤلف در تدوین آن و جایگاه کتاب در میان آثار علوم قرآنی بحث کرده است.<sup>۳۹</sup>

کافجی افزون بر «التیسیر» رساله‌های کوتاهی نیز در برخی از مسایل مرتبط با قرآن نگاشته است، از جمله «البشاره» که تفسیری است به گونه سؤال و جواب، درباره آیه «فأتوا بسورة من مثله» (بقره ۲/۲۳) که باید تبیین کننده ابعاد اعجاز قرآن باشد. «حاشیه بر کشاف»، «حاشیه بر بیضاوی» و تفاسیر کوتاهی دیگر از آیات قرآن.

کافجی از فقیهان، نحویان، مفسران و ادیبان و صوفیان این روزگار است، او بر دانش‌های مختلف اسلامی چیره بود. سیوطی که سالها در محضر او بوده است، می‌گوید: «چهارده سال همراه او بودم و هرگاه بر او وارد شدم از پژوهش و تحقیق چیزهای شگفتی از او دریافتم».<sup>۴۱</sup> او را به استواری در باورها، سختکوشی در دانش و تضلع در حدیث و تفسیر ستوده‌اند.<sup>۴۲</sup>

شهاب‌الدین احمد بن اسماعیل بن ابی بکر ایشیطی شافعی (م ۸۸۳) در این قرن کتابی نگاشت با عنوان «ناسخ القرآن و منسوخه»، او «الناسخ و المنسوخ» بارزی را (که پیش تر از آن یاد کرده ایم) نیز به نظم کشید<sup>۴۳</sup> ایشیطی در «أبشیط»<sup>۴۴</sup> به دنیا آمد و در همان دیار بالید و مقدمات دانش را فراگرفت، آنگاه به قاهره رفت و محضر عالمان بسیاری، از جمله ابن حجر عسقلانی را درک کرد. در فقه، اصول، ادب عربی و حدیث به آگاهی‌های گسترده ای دست یافت و آثار مختلفی در ابعاد گوناگون فرهنگ اسلامی نگاشت.<sup>۴۵</sup>

اکنون و در سال‌های پایانی این قرن، یاد کنیم از مفسر و محقق این روزگار، ابراهیم بن عمر بن حسن، بقاعی شافعی (م ۸۸۵) که کتابی نگاشت با عنوان «الضوابط والأشارات



لأجزاء علم القراءات» و نیز «القول المفید فی أصول علم التجوید». ۴۶ بقاعی چنانکه می دانیم تفسیری دارد بزرگ که به آهنگ تبیین، توضیح و تثبیت تناسب سوره ها و آیه ها و اثبات پیوند محتوایی بین سوره با سوره ها و آیه با آیه ها در ضمن سوره ها، نگاشته است با عنوان «نظم الدرر فی تناسب الای و السور». ۴۷ یافتن تناسب بین آیات در سوره از جمله پیوندی استوار دارد با یافتن مقاصد اصلی سوره ها و پیام محوری آنها، از این روی بقاعی با تأمل هایی که در این باره داشته است، کتابی پرداخته است با عنوان «مصاعد النظر للأشرف علی مقاصد السور». ۴۸ نظم الدرر بقاعی در تناسب سوره ها و ...، گویانکه تا حدود زیاد متکلفانه به نظر می رسد، اما خواندنی است و ذوق برانگیز.

بقاعی در «خریة»، یکی از قرای «بقاع» به دنیا آمد و در آن دیار بالید، آنگاه به دمشق رفت و در آنجا دانش آموخت، سپس به بیت المقدس و قاهره سفر کرد و سپس به دمشق بازگشت و در آن دیار زندگی را بدرود گفت، او با فلاسفه و عرفا نیز ناسازگاری داشت و آثاری در رد آراء و اندیشه های آنان و تکفیر برخی از عارفان نوشته است. ۴۹



۱. درباره او بنگرید به: شذرات الذهب، ۷۱/۹؛ الضوء اللامع، ۱۰۰/۶؛ البدر الطالع، ۵۰۸/۱؛ معجم المؤلفین، ۵۶۶/۲؛ الأعلام، ۵۷/۵؛ شذرات الذهب، ۷۲/۹.
۲. تفسیر غریب القرآن (مقدمه)، ص ۳۸؛ شذرات الذهب، ۷۲/۹.
۳. همان و نیز بنگرید به: الضوء اللامع، ۱۰۱/۶-۱۰۳؛ الأعلام، ۵۷/۵.
۴. تفسیر غریب القرآن، الحافظ العلامة سراج الدین ابی حفص عمر بن علی النحوی الأنصاری، تحقیق سمیر طه المجذوب الطبعة الأولى، بیروت، عالم الکتب، ۱۴۰۸.
۵. معجم المطبوعات، ص ۹۰۱؛ کتابنامه بزرگ قرآن، ۵۳۶/۲، در این کتاب از الفیه عراقی دو بار یاد شده و عملاً در کتاب تلقی شده است، با عنوان «الفیه العراقي فی غریب القرآن»، ۵۳۶/۲؛ «الفیه فی غریب القرآن»، ۵۳۷/۲.
۶. درباره او بنگرید به: الضوء اللامع، ۱۷۱/۴؛ شذرات الذهب، ۸۷/۹؛ البدر الطالع، ۳۵۴/۱؛ معجم المؤلفین، ۱۳۰/۲؛ دانشمندان کُرد در خدمت علم و دین، ص ۲۰۶.
۷. البرهان فی علوم القرآن، ۴۴۲/۱ (پانویس)؛ معجم المؤلفین، ۵۴۴/۳.
۸. درباره او بنگرید به: الضوء اللامع، ۹/۸؛ البدر الطالع، ۲۲۶/۲؛ معجم المؤلفین، ۵۴۴/۳.
۹. البرهان فی علوم القرآن، ۳۹۱/۱ (پانویس).
۱۰. درباره او بنگرید به: البدر الطالع، ۱۱۷/۱؛ الضوء اللامع، ۱۵۷/۲؛ شذرات الذهب، ۱۶۳/۹؛ معجم المؤلفین، ۲۸۵/۱.
۱۱. البدر الطالع، ۲۸/۲؛ بغیة الدعاء، ۲۷۴/۲؛ دانشمندان و سخن سرايان فارس، ۱۶۰/۴.

۱۲. ر. ک: تئویر المقباس، ص ۲ و نیز آغاز سوره بقره ص ۳، در آغاز سوره های دیگر سند نیامده است و فقط به عنوان: بأمستاره، بسنده شده است.
۱۳. عبدالله بن عباس، حبر الأمة، ص ۱۱۵؛ التفسیر والمفسرون، ۱/ ۸۲؛ میزان الاعتدال، ۴/ ۳۲.
۱۴. درباره او بنگرید به: الضوء اللامع، ۱۰/ ۷۹؛ البدر الطالع، ۲/ ۲۸۰؛ شذرات الذهب، ۹/ ۱۸۶؛ بغیة الدعاة، ۱/ ۲۷۳؛ روضات الجنات، ۸/ ۱۰۱؛ معجم المؤلفین، ۳/ ۷۷۷؛ دانشمندان و سخن سرایان فارس، ۴/ ۱۵۶.
۱. درباره ابن متوَّج و مسایل یاد شده، بنگرید به: ریاض العلماء، ۱/ ۴۳؛ اعیان الشیعه، ۳/ ۱۰ و ۱۱؛ ریحانة الأدب، ۸/ ۱۹۲؛ و نیز روضات الجنات، ۱/ ۱۵۸، با تعلیق، تصحیح و تکمیل دانشمند ارجمند حضرت سید محمد علی روضاتی. این مجلد از روضات الجنات به سال ۱۳۸۲ هـ. ق، نشر یافته است و ادامه آن متأسفانه متوقف شده است. تعلیق ها، حاشیه ها و اضافات حضرت روضاتی آکنده است از پژوهش ها و باریک نگری های رجالی، تاریخی و کتابشناسی. ای کاش آن بزرگوار همتی ورزد و این پژوهش ارجمند را به سامان رساند. چنین است تحقیق و تعلیق وی بر کتاب ارجمند «مکارم الآثار» که خوشبختانه جلد هفتم آن اخیراً نشر یافته است. این را هم یاد آوری کنیم که در سالمرگ ابن متوَّج نیز شرح نگاران اتفاق ندارند.
۱۶. «النشر» به لحاظ سودمندی از آوازه شایسته ای برخوردار گشته است، دست نوشته های بسیار آن، نشان اشتها آن است. بنگرید به: فهرست موضوعی نسخه های خطی عربی کتابخانه های جمهوری اسلامی ایران، ۱/ ۴۴۰-۴۴۳.
۱۷. بیّنات، شماره ۶/ ۷۷.
۱۸. فهرست موضوعی نسخه های خطی عربی ...، ۱/ ۳۵۳، «طیبة النشر ...» به سال ۱۳۰۸ نشر یافته است، بنگرید به: معجم مصنفات القرآن الکریم، ۴/ ۱۰۵، در این منبع نسخه های دست نوشت کتاب نیز شناسایی شده است.
۱۹. البرهان فی علوم القرآن، ۱/ ۴۴۲؛ معجم الدراسات القرآنیة، ص ۵۰۸، معجم المطبوعات العربیة، ۱/ ۶۳.
۲۰. فهرست موضوعی نسخه های خطی عربی ...، ۱/ ۳۳۱.
۲۱. الدرّة به سال ۱۳۰۲ نشر یافته است، معجم الدراسات القرآنیة، ص ۴۳۱.
۲۲. فهرست دانشکده الهیات مشهد، ۱/ ۴۶۵؛ فهرس مخطوطات دارالکتب الظاهریة (علوم القرآن)، ۱/ ۴۶۶.
۲۳. کشف الظنون، ۱۸۵۹. منجد المقرئین به سال ۱۳۵۰ به تحقیق عبدالمحی عرفاوی در قاهره نشر یافته است و به سال ۱۴۰۱ در بیروت دارالکتب العلمیة، (به یقین چنانکه شیوه این ناشر است) همان چاپ با دستکاری های تاجرانه.
۲۴. درباره او بنگرید به: البدر الطالع، ۲/ ۲۵۷؛ غایة النهایة، ۲/ ۲۴۷؛ ریحانة الأدب، ۱/ ۴۰۸؛ الضوء اللامع، ۹/ ۲۵۵؛ شذرات الذهب، ۹/ ۲۹۸؛ معجم المؤلفین، ۳/ ۶۸۷.
۲۵. معجم مصنفات القرآن الکریم، ۴/ ۷۰؛ هدیة العارفین، ۱/ ۷۱۶.
۲۶. فهرس الفهارس، ۲/ ۶؛ معجم المؤلفین، ۲۳/ ۴۶۵.
۲۷. تبصر الرحمن، به سال ۱۲۹۵ در قاهره نشر یافته است و پس از آن به سال ۱۴۰۱ در بیروت افست شده است، معجم مصنفات القرآن الکریم، ۱/ ۱۵۳؛ البرهان فی علوم القرآن، ۲/ ۲۲۳ (پانویس).
۲۸. درباره او بنگرید به: الأعلام، ۴/ ۲۵۷؛ معجم المؤلفین، ۲/ ۳۹۰؛ معجم مصنفات القرآن الکریم، ۱/ ۱۵۳.

۲۹. بیانات، شماره ۹/۵۴.
۳۰. عیسی بن مینا بن وردان بن عیسی بن عبدالصمد بن عمر بن عبدالله زرقی، مشهور به «قالون»، گویند نافع او را «قالون» نامید چون نیکو قرائت می کرد و «قالون» به زبان رومی به معنی نیکوست. غایة النهایه، ۱/۶۱۵؛ لغت نامه دهخدا، ۱۰/۱۵۳۳۴.
۳۱. ابو عمر حفص بن عمرو بن عبدالعزیز ازدی دوری، از پیشوایان دانش قرائت است. او آثاری در علوم قرآنی از خود بر جای نهاد و نخستین کسی است که، قرائت ها را جمع آوری کرده است، جزری او را با عناوینی چون «ثقه، کبیر، ضابط» ستوده است. غایة النهایه، ۱/۲۵۵؛ الأتقان، ۱/۱۲۶.
۳۲. درباره او بنگرید به: الضوء اللامع، ۵/۱۳۴؛ الأعلام، ۴/۲۱۱؛ معجم المؤلفین، ۲/۳۴۶.
۳۳. أسباب النزول، به تحقیق یوسف مرعشلی و به همت دارالمعرفة بیروت منتشر شده است.
۳۴. درباره او بنگرید به: الضوء اللامع، ۲/۳۶؛ البدر الطالع، ۱/۸۷؛ شذرات الذهب، ۹/۳۹۵؛ معجم المؤلفین، ۱/۲۱۰؛ ریحانة الأدب، ۷/۴۷۰؛ دائرة المعارف بزرگ اسلام، ۳/۶۱۹؛ الحافظ ابن حجر العسقلانی، عبدالستار شیخ ابن حجر العسقلانی ودراسة مصنفاته و منهجه وموارده فی كتابه الأصابه، شاکر محمود عبدالمنعم.
۳۵. ایضاح المکنون، ۱/۸۹.
۳۶. درباره او بنگرید به: الضوء اللامع، ۴/۹۵؛ هدیة العارفين، ۱/۵۳۳؛ معجم المؤلفین، ۲/۹۹.
۳۷. کشف السرائر، ... الأسکندریه، مؤسسة شباب الجامعة/۱۳۹۷.
۳۸. درباره او بنگرید به: الضوء اللامع، ۹/۱۶۲؛ الأعلام، ۷/۵۰؛ معجم المؤلفین، ۳/۶۶۳؛ کشف السرائر، (مقدمه).
۳۹. التیسیر فی قواعد علم التفسیر، الامام العلامة محمد بن سلیمان الکافیجی، دراسة و تحقیق ناصر بن محمد المطرودی، دارالقلم، دمشق/۱۴۱۰.
۴۰. «التیسیر فی قواعد التفسیر، صص، ۴۹-۵۵ (مقدمه).
۴۱. بغیة الدعاة، ۱/۱۱۸.
۴۲. درباره او بنگرید به: الضوء اللامع، ۷/۲۵۹؛ البدر الطالع، ۲/۱۷۱؛ بغیة الدعاة، ۱/۱۱۷؛ معجم المؤلفین، ۳/۳۳۲؛ التیسیر فی قواعد علم التفسیر، مقدمه.
۴۳. معجم مصنفات القرآن الکریم، ۴/۲۴۴؛ البرهان فی علوم القرآن، ۲/۱۵۶.
۴۴. دیهی است از بخش های غربی مصر، شذرات الذهب، ۹/۵۰۴ (پانوشت).
۴۵. درباره او بنگرید به: الضوء اللامع، ۱/۲۳۵؛ البدر الطالع، ۱/۳۷؛ شذرات الذهب، ۹/۵۰۴؛ معجم المؤلفین، ۱/۱۰۳.
۴۶. معجم المؤلفین، ۱/۴۹.
۴۷. نظم الدرر دو بار به چاپ رسیده است:
- (۱) دائرة المعارف العثمانیه ۱۳۹۶ که به سال ۱۴۱۳ در قاهره به گونه افسد به وسیله دارالکتب الاسلامیه نشر یافته است.
- (۲) بیروت دارالکتب العلمیه/۱۴۱۵، به تصحیح: عبدالرزاق غالب المهدي.
۴۸. اعلام الدراسات القرآنیه فی خمسة عشر قرناً، ص ۲۷۶.
۴۹. درباره او بنگرید به: الضوء اللامع، ۱/۱۰۱؛ شذرات الذهب، ۹/۵۰۹؛ البدر الطالع، ۱/۱۹؛ معجم المؤلفین، ۱/۵۱.